

خواهند بود این مطلب نمیگذرد که فلاسفه بزرگ و دانشمندان عالیقدر اروپا و محترمین لوادم حیاتی حق بزرگی بگردن اسماء بشر دارند و اثر وجودی آنان جهانی روشن گردیده و از بسیاری بیماریهای خطرناک جلوگیری شده، روی سخن با دانشمندان عصر کنونی است که در اثر تعییرات روحی و انحراف از حقایق معنوی افکار عالی خود را بمصرف آلات و ادوات شرکستی و انهدام آثار مدییت جهانی بکار برده اند و سیاستمدارانی است که عرصه گیتی را میدان پهلوانی و برتری خود قرار داده میلیونها دستریح مردم را بمصرف تسلیحات جنگی میرساند و کشورها و ملت‌های عقب مانده را مورد استعمار و استثمار قرار داده اند معلوم نیست از این عرور و بعوت سیاسی چه بلاها و خطراتی متوجه اسماء بشر و جهان مدییت گردد

این بود شمه‌ای از توحیه و تعریف روحیات در شرق و ملت‌های اسلامی در قسمت بعدی شمه‌ای از روحیات عرب و مردم اروپا شرح میدهم تا مورد قضاوت روشن فکران قرار گیرد و وجه تمایز روشن شود

## فصل بیست و هفتم

### (روحیات عرب و ملت‌های اروپا)

افکار و روحیات ملت‌های عرب را میتوان در حلال سیره و عادات اجتماعی آنها جستجو کرد و سیره محیط تربیت و سوانق علمی آنان را در نظر گرفت تا دانسته شود که از کی در صحنه علوم و اختراعات وارد گردیده‌اند و فلسفه ماتریالیسم (مادیون) در اروپا از کی و چگونه پیدایش و توسعه یافته و چه تأثیری در افکار و روحیات مردم اروپا داشته

برای بیان و بیان این موضوع مهم اجتماعی و باید قریباً هفت بر گردیم و اوراق تاریخ را ورق بزنیم تا مطلب روشن شود

در قرن پنجم میلادی دولت روم و مرکز علم و حکمت در اروپا دستخوش تهاجم قبایل وحشی بربرها گردید آنگاه گرایش‌های علمی و فرهنگی آن کشور متاراج رفت و دولت روم عربی مہر ص گردید و علم و حکمت اروپا در محاق احساق فرود رفت مردم اروپا ده قرن که آنرا قرون وسطی گفته‌اند در تاریکی جهل و ظلمت نادانی فرورفتند در قرن پنجم میلادی يك ہر ژربرت (۲) نام فرانسوی از کشور فرانسه بہ آندلس رفت کہ در

۱- نقل از کتاب سیر علم و حکمت در اروپا نگارش محمدعلی فروغی

دکاء الملک ص ۱۰۶

۲ - Gerbert

ان اوقات کابون علم و فرهنگ اروپا بود در قدم اول نه فراگروهی زبان  
 عربی پرداخت و سپس وارد مدارس عالی گردید به تحصیل علوم عالییه از هیئت و  
 نجوم و ریاضیات و غیره مشغول شد بعد از فراغ از تحصیل و طی مدارج عالییه  
 علمی، کشور خود فرانسه برگشت و با آن دو حائز بهیمن علم و دانش چنان  
 پیشرفت و ترقی کرد که بدرجه پاپی رسید و سلوستر دوم معروف گردید  
 در قرون وسطی مردم اروپا علاوه بر حالت و بادابی دارای عماید  
 و رسوم مسخره آمیز و عادات وحشتناکی بودند که بسیار وحشیانه و رقت آور  
 بود قوم گل که ملت قدیم فرانسه را شامل میگردد رسوم و آداب  
 خطرناکی داشتند و قربانیهایی آنها اغلب از افراد بشر بود و آن افراد  
 بیگناه را گاهی بدریا میانداختند و گاهی سر میزیدند و بعضی را در  
 هیاکل عظیمه در آتش میسوزاندند از جمله آداب آنها این بود که هنگام روئیدن  
 گیاه گی که بدراتان درخت بلوط سر و پیدامیشود کشیشان آن را در آن  
 درخت مردم را گرد آورده حشش می گرفتند و قربانیها میکردند  
 و بر میویند در روز ۲۷ دسامبر که روز قتل معصومین است همه  
 ساله حشش حرمی گرفتند و بیاد آن روزی که عیسی با مادرش سوار بر حر  
 عازم بیت الاحم بودند (۱) حری را آداسته بر روز بود کرده اسعی را انتخاب  
 میکردند که او نماز جماعت میخواند و برکت میداد و بعد سوار بر آن حر  
 می شد و راه میافساید و گروهی دنبال او میافتادند و سرود میخواندند و  
 همگی معروف افتاده صدای حره میکردند، در آن روز زبان باریک دبیاحق  
 داشتند دوستان خود را در کلیسا دعوت کنند و با آنها شراب بخورند و  
 برقصند این بود نمونه ای از عرافات مردم قدیم اروپا که تا هم اکنون  
 عرافات بسیاری در آن کشور راجح و متداول است

۱ - نقل از کتاب تاریخ البرماله مورخ فرانسوی رحمه عبدالرحمن هریر

البته میتوان گفت در شرق حرافات بوده و بیست لیکن با آن رسوم و عادات  
 و حشیانه که افراد بیگانه را نام قربانی سر سرد یا سوراخد سابقه نداشته و  
 ندارد در قرون وسطی یعنی از قرن پنجم میلادی تا قرن پانزدهم علم و حکمت  
 در احصار اساقفه و امای مذهب مسیح و محدود بمدارس دینی (اسکولاتیک)  
 بود اولیای مذهب علم و عقل را احادم دین میدانستند و اغلب کششها سواد  
 نداشتند لیکن قدری مقتدر بودند که هر کس را معترف میدیدند در  
 مجلس انگریسیون (تفتیش عقاید) حلب و محازات شدید میرسایندند  
 گاهی سر میریدند و بعضی را در هیاکل عظیمه میسوحند یا مرگ  
 حکمی محکوم میکردند چنانکه کالیله دانشمند ایتالیایی کتابی مخالف  
 فریبه بظلمیوس مصری نوشت مسی برگردش زمین بدور حورشید آن  
 مرد دانشمند را ماسد درد حیات کاری تحت محاکمه کشیدند آن مرد  
 شریف شجاعانه از خود و نقشه خود دفاع کرد لیکن بیرحمانه با ضربات  
 شلاق مواحه گردید پس از ضربات شلاق سه سال او را برندان افکندند و  
 سحتی مرد و اما مرگ حکمی که مراتب از مرگ با کارد و شمشیر بدتر  
 بود در کشور ایتالیا امتیان مورا نامی در رنده بودن مسیح بر دید نمود  
 هیئت تفتیش عقاید او را حلب کرد کفر و الحاد او را بعرص پاپ رسانیدند  
 فرمان مرگ حکمی در بازه اوصاد گردید هیئت او را احصار کرد اول  
 با آهن سرح کرده داعی به پیشانی او زدند که همه او را مرده نداند  
 بیچاره محکوم بعد این نشان بهر جا رفت و بهر کس التماس کرد سالی  
 ببرد و لوازم حیاتی خود را تهیه نماید یک بهر ما او حرف بردن و  
 بچه های او از او بری شدند و اموالش را مصادره نمودند رش را بعقد  
 دیگری در آوردند شب عروسی خود را سرش رسانید و گفت رسای

عریبم تو ز من هستی چرا ندیگری شوهر میکی حصار همه حدیدند  
 دن يك كلمه ناو حری برد بیچاره در کوچه‌ها میدوید فریاد میکر دازائی  
 مرا بردید رسم را ندیگری شوهر دارید - زوری دن خود را در کوچه دید  
 ناو گمت ریباى عریبم نه من رحم کن گرسنه هستم لقمه نابی نه من نه  
 دن سگدل اندا حوابی ناو داد - بیچاره در کوچه سختی جان داد  
 ایس محاراتهای شدید و محدودیتها در قرن هفدهم و هجدهم  
 دانشمندان اروپا را سحت در فشار روحی قرارداد و از هر طرف شروع  
 به محالتهای سری کردند و در طلب دانش به وسیله‌ای دست زدند در ایس  
 قرون مقدم بر سایرین دو بهر پارا اردایره انحصار مدارس دیسی (اسکولاستیک)  
 بیرون نهاد و به تحقیقات علمی و فلسفی دست زدند اول فیلسوف انگلیسی  
 فرانسیس بیکن (۱) بود که در فلسفه و علوم شریات پر ارزش انتشار داد  
 دوم فیلسوف بزرگ و مشهور فرانسیس دکارت (۲) بود این دو بهر با داشتن  
 افکار بلند از فلاسفه الهیون شمارند دکارت در الهیات و علم ماوراء الطبیعه  
 مشروحاً بحث نموده و در اثبات خالق دلایل فلسفی ذکر کرده میگوید  
 فلسفه در حقیقت است که ریشه‌اش ما بعد الطبیعه (متافیزیک) و سایر علوم بمرله  
 شاخه‌های آن در حقیقت شمارند لیکن فلاسفه قرون بعدی که شمه‌ای از  
 آراء و عقایدشان را در این اوراق حواهم بگاشت متأسفانه مخالف عقیده او  
 بمحسوسات و مادیات گرویدند و تیشه بر تیشه در حقیقت فلسفه زدند قدام  
 فلسفه و علوم را بر سه پایه و اساس بنا نموده و مورد بحث قراردادند بودند  
 اول الهیات و ما بعد الطبیعه یا فلسفه اولی - دوم ریاضیات سوم طبعیات  
 فلاسفه قرون اخیر پایه اولی که سبب تهویت روح تقوی می‌شد و عواطف

۱ - Fransice Bane      ۲ - Comte Descarte

اسانی را در نهاد انباء نشر تربیت می نمود شکستند در این قرون مردم اروپا  
مبوحه شرق گردیده از کتب علمی ایران استفاده کردند در سال ۱۶۲۴  
فرا سویها کتاب بوستان و گلستان سعدی شاهنامه فردوسی منطق الطیر  
شیخ عطار در باغیات حیات کتاب حاوی زکریای رازی کتاب شفا و قابول ابن سینا  
کامل الصاعد اهواری را ترجمه کردند و مردم اروپا رفته رفته بمدارج  
عالی علمی رسیدند

## فصل بیست و هشتم

تجدید علم رنسانی و پیدایش فلسفه ماتریالیسم در اروپا

از قرن هجدهم فلاسفه اروپا شروع به تحقیقات علمی نموده علاوه اینکه با از دایره انحصار سردن نهادند مخالف مذهب کتابها نوشتند در این اوراق از بطر استدلال بطور احتیاط عده ای را نام میسریم در قرن هجدهم و هجدهم فوسل (۱) عضو آکادمی فرانسه از ورقه مادیون بود و فقط بمحسوسات عقیده داشت چون حیلی شیرین میوشت بشریات او مورد بوجه و علاقه شدید مردم اروپا قرار گرفت تحقیقات او در فلسفه حیلی مفصل است

ولتر (۲) بپردازای عهده صد مذهب و از ورقه ماتریالیست بود میگوید تعلیمات فلسفی که آرا پایه دین قرار داده اند و مانند آنچه اولیای مسیحیت میآوردند پایه و مانده ای ندارد هر کس پاسدا آنها باشد یا احمق است یا مردور با بحرفهای مرورانه احمق را تسخیر میکند و بر او سوار میشود

روسو (۳) فیلسوف بزرگ فرانسه از فلاسفه قرن هیجدهم با مسیحیت و آداب مذهبی کشیشان مخالفت کرد و گفت مانی توانیم بدانیم

---

Foutenelle ۱ - نقل از کتاب سر علم و حکمت در اروپا بگارس

دکاء الملك و روعی صهه ۱۰۴ جلد دوم ۱۱۲

۲ - Voltaire

۳ - Jean Jaque Rosseau

عالم حادث است یا قدیم باقی است یا فانی است  
 ویدرو (۱) فیلسوف فرانسوی مخالف عقیده دکارت بود که فلسفه  
 خود را در الهیات شرح داده مشاهده را در طبیعات و ریاضیات معتقد بود  
 میگوید وسیله کسب علم سه چیز است مشاهده تعقل و تجربه مشاهده باید  
 مواد را فراهم کرد و به تعقل باید آنها را جمع کرد و بهم مرتبط ساخت  
 آنگاه نتیجه‌ای که بدست می‌آید برای اطمینان از درستی آن باید به آزمایش  
 در آورد

کانت (۲) فیلسوف مشهور آلمانی عقیده به محسوسات و تجربه  
 داشت و گفتم هر چه عقل در باره آن حکم کند درست است اما مسئله  
 فلسفه اولی (ماورالطبیعه) از حسیم و حان و مانند آنها مخلوق عقل مایستند  
 این است که آنها بهر ص عقلی حقیقتشان بدست نمی‌آید

اگوست (۳) کنت فیلسوف معروف فرانسوی کتاب فلسفه مثبت یا  
 تحقیقی را نوشت و در فلسفه تحقیقات وسیع و دامنه‌داری نمود میگوید آنچه  
 بران میتوان بطور مطلق حکم کرد این است که بهیچ امر مطلق نمی‌توانیم  
 معرفت پیدا کنیم منتهی روابط امور را میتوانیم با هم بسنجیم حتی آنکه رابطه  
 علیت و معلولیت را نمی‌توانیم در بابیم تنها مسائلی که مابین امور میتوانیم  
 درک کنیم بهمانست هم بودی (مقاربه) در مکان و پیاپی بودن در زمان است  
 و این مسائلی است که قواعد کلی در می‌آوریم و علم را میسازیم از حواهر

۱ - - نقل از کتاب سیر علم و حکمت در اروپا نگارش دکاء الملک

صفحه ۱۰۴ - ۱۳۳ - ۱۱۹ - ۴

۱ - Didero      ۲ - Kant      ۳ - Auguste - Comte

وامور مطلق مانند جان و روان و عقل و علت نخستین که با درك آنها نایل  
 میشوند میگردیم عارضه‌ها و خاصیت‌ها را معلوم میکنیم و محقق میسازیم  
 اسپنسر (۱) فیلسوف بزرگ انگلیسی قرن نوزدهم از جمله فلاسفه  
 ماتریالیست بوده میگوید علم هر تعیند امور چیری نیست که بدان  
 نسبت و قیاس شود و حال آنکه ذات مطلق با محدود است و بی‌علم قیاس  
 کردن نسبت دادن چیری است بچیز دیگر در صورتیکه در ذات مطلق  
 چیزی نیست پس در باب ادیان باید از این ادعا دست بردارید که از بی  
 نشان بدهد و خدا را مانند یکی از افراد بشر معرفی کند که توانایی و  
 هوا و هوس فراوان دارد مهر می‌ورزد کینه میجوید و همواره با انتظار  
 نشسته است که هدیه و تعاری برای او برسد مدحش کند و تملقش گوید  
 از دست‌رویان (۲) جلد دوم ۱۱۳ از معجزات و الوهیت مسیح و سازمان  
 دین مسیحیت استناد کرد و مندرجات توراه و انجیل را اسناد مسخره گرفت  
 و کتابی در احوالات مسیح نوشت که عوغایی در روحانیون ابداحت و حای  
 دیگر میگوید عجا امرو در هر حادثه‌ای اتفاق میافتد سر سخن اولش تاریخ  
 ولادت تا حکمداری صاحب، جنگ سای عمارات عالی وفات بزرگان تمامی  
 را از روی ولادت محمول مسیح شروع میکند تا ایسمه تشریفات و احترامات  
 اکتفا نکرده با حدیث هر چه تمامتر ما مسیحیان سعی میکنیم و میخواهیم  
 حرا او را حدای خود قرار دهیم و او را که بشری عاخر بیش بوده گرداننده  
 این دستگاه عظیم خلقت سازیم آیا در برد عقل سلیم این چیزها منتهای  
 گیراهی نیست

۱ - Spenser ۲ - Erneste Renane

نعل از کتاب سرو حکمت در اوونا نگارش دکاء الملك فروعی جلد

دوم صفحه ۶۸-۱۰۴-۱۱۳

کارل مارکس فیلسوف آلمانی ۱۸۱۷ - ۱۸۸۳ - در قرن نوزدهم  
 بر صد مذهب کتاب نوشت و گفت عالم بداته مادی است عقل و منطق از  
 بواقیس ضروری طبیعت است و از قوای تکامل بشمار است قوه عاقله  
 بمر محصول ماده است مربوط بهیح خدا و جان جهادی نیست فلسفه  
 مارکسیسم در اروپا توسعه یافت که در زمان اولین قیام کرد و فلسفه لیسیسم  
 اضافه شد علاوه بر آن در اروپا در کشور پهنور چین را تحت  
 تأثیر قرار گرفت و صد ها اروپا فلسفه مادی و بی ایمان به بشریات فلسفی و صد  
 مذهب بر داحتند سبب گمراهی مردم شدند و البته در زمان حیات خود  
 تبلیغات شفاهی هم بسیار نموده اند که سبب ترلر افکار گردیده است  
 در میان چون دارای قلم تریب و شیوائی بود و مردم اروپا هم تشبه  
 مطالب عامی بودند و مدت ها در محدودیت سر میردند مطالب فلسفی  
 در روحیات و افکار مردم اروپا اثر زیاد نمود و این بیانات در طبقات بالا و  
 عناصر مؤثر بیستر موثر واقع گردیدند قسمی که دستگاه مذهبی قدر و نمود  
 سابق خود را از دست داد و روحانیت از سیاست به یک تند و دستگاه  
 مذهبی صورت سر بهائی خود گرفت این صداها و بشریات در افکار و  
 ادهان مردم اروپا دو گونه اثر داشت یکی شدید و دیگری حقیف اثر  
 شدید آن افراد را کاملاً از خدا دور داشت و آن افراد تسلیم فلسفه کمونیرم  
 گردیدند قسم دوم ار شدت وحدت بصصات مذهبی و عمایدوسی آنها کاست  
 که برس از عقوبت و کیمر الهی و امید به بهت در آنها نقصان کلی یافت و  
 عواطف انسانی را بقدری در اغلب کارمندان و رعمای کشوری و لشکری  
 صعیف کرد که یک بهر مسیحی نام بانک مکتب کشیده صد هر از مردم هیر و شیما  
 را از زبان و اظهار بیگناه با آتش شهوت خود سوخت و همان امت مسیح در

ح گمهای جهانی میلیونها مردم بیگناه را احک و خون کشیدند در شرق اسلامی  
 اینگونه شریان و حیایات شرکشی سابقه نداشته و ندارد در کشورهای  
 اروپا تعلیمات مذهبی و تربیتهای روحی آنان تقدیر شرق و تعلیمات اسلامی اثر  
 نداشته زیرا عبادات آنها هفته ای یک روز آنهم با سرودهای مسرت را  
 بحال شرق اسلامی که در مدت سال و اغلب ماهها و روزها دروس دینی  
 تکرار میشود از این مطلب نمی گذرم که دانشمندان و برگان اروپا و  
 امریکا خدمات برگ حیاه بخش بحیان بشریت انجام دادند که عالمی  
 در روشن ساختن و اساء بشر را از بیماریها تا درجه ای بر کنار داشتند سخن ما  
 با آتش افروزان حگگ و متحارین سرجم اروپا است و این گفتار و لاسعه  
 ماتر بالیسم است که در قرون اخیر از الهیات و معنویات انحراف ورزیده  
 و به تعلیمات عالییه حصرن مسیحی اعتنا شدند روحانیون مذهب مسیح  
 با همه سخت گیریها در تربیت روح بقوی و بیکو کاری هم به ایت حدت  
 را داشته و اکنون هم دارند نتیجه انحراف از دستور سمرای الهی و حکم  
 آسمانی همین اوصاع و حثت رای کنونی اروپا و امریکا است که با ولع هر چه  
 تمام بر روح شهوت و بهمیت را نفویب میکند رقص و میحوارگی را اغلب در  
 ریدگانی خود قرار داده خود دماغی و جلوه گیری زبان زیبارا قیمت های گراف  
 و مسابقه گذاشته است و بیم اجت در کنارها رقص میرد دارند با موسیما - مع  
 چگونه بازی میکند با بحال سلسله نژادی سحت در حطر است سیر اجتماعی  
 بحران احلاقی در اروپا شاهد این حقیقت بازر است عجب اینکه دانشمندان  
 اروپا و امریکا هم بیرونی دماغی و افکار عالی خود را جدا در راه اختراع آلات  
 شرکشی بکار میبرند و در سال میلیاردها از دستریح مردم عقب مانده را  
 معاوس محصل گرفته بمصرف تسلیحات و بهب های آتش را اتمی می سازند

و جهانی را بوحشت انداخته ، و صحنه پهناورگیتی را عرصهٔ مبارزات  
عرو و بحوث مستانه خود قرار داده اند کشور فرانسه که روزی مهد تمدن  
اروپا و مادر دموکراسی بشمار میرفت بیرحمانه هزارها مردم الحرایر را  
بآتش حرص و طمع خود میسوزاند بگناه اینکه میگویند از خانه ما  
بیرون بروید همین قسم دولت انگلیس که با سیاست استعماری خود  
قسمتی از دنیا را چه برور و چه نامگر خدعه تصرف نمود .

صعب عقیده و ایمان در مردم حسگی و بطامیان امت مسیح بدرجه  
رسید که با تاسکهای سنگین روی احساس گشتگان و حیوانان بیم مرده  
چنان میتاحسد که صدای شکستن استخوانها و صیحه آن حیوانان رحم-  
خورده کوچکترین آری در روحیهٔ آنان بداشت . در حنگ دوم جهایی  
که میلوبها مردم جهان بحاك و حون علطیدند يك مهر پروسور ایرادی  
که متصدی بیمارستان هامبورك آلمان بود بعد از حنگ کشور ایران  
بارگشت نمود و شرحی از آتش افروزی و شرکشی در آن شهر را که  
خود در آن بوده و دیده برایم حکایت کرد که شدت اش اسباب تأثیر هر  
شونده خواهد بود و بدین شرح بیان نمود در سال ۱۹۴۳ يك شب هزار  
طیاره بمب افکن با بمبهای آتش را بر شهر هامبورك حمله کرد و بمبهای  
محرب و آتش را فروریخت يك قسمت شهر با حاك یکسان شد هزارها  
کودك و زنان بیگناه و مردم عادی کشته شدند و در آتش سوختند این  
قسمت از شهر هامبورك ۲۵۰ هزار نفر سکه داشت همه زیر حاك و آتش  
قرار گرفتند و گفت شهر هامبورك بیمارستان بررگی داشت که من متصدی  
آن بیمارستان بودم هزار تحت حواب در آن بیمارستان بود و در زمیهای  
بررگک و وسیع داشه علاوه اینکه همه تحت حوابها از رحم داران پر شده

بود دیر میسپای بیمارستان که هر يك دو هزار نفر میتوانست جای بدهد  
 مملو از رحم خوردگان و کشته شدگان شده بود که روی هم چیده شده  
 بودند و در میان آنها اطفال و حیوانات بیم مرده وجود داشت که صبحه و  
 فریاد آنها بسیار وقت آورد و حگر سوز بود فاتحین بیرحم احاره میدادند  
 حواره کشته شدگان با اطفال بیم مرده را بیرون سربند دختران باکره  
 را مورد استعاده شهوانی قرار میدادند بعد از اطفاء شهوات شکم آنها را  
 پاره میکردند، از این قبیل حیایات و بشر کشی در اروپا بسیار بود که ثمت  
 تاریخ گردیده حیوانات اسیر را در حوض کارخانه یخ سازی میبنداختند  
 چون آب بدرجه اعلائی سردی میرسید و قرب باجماد می شد این حیوان  
 دست و پا میرد صحنه هافر یادهها میکرد باطربین میخندیدند و کوچکترین  
 تأثیری در روحیات آنها راه نداشت تردیدی نیست که حسگ همیشه در  
 جهان بوده لیکن در ادوار جاهلیت که بعول متمدن کسوی عصر جهالت  
 و توحش گفته میشود برور ناروی مردانگی و ناشمشیر و بیره حسگ  
 میکردند فقط سر باران و حسگ آوران کشته می شدند و بیچه بیگناه  
 یا مردم غیر حسگی در امان بودند و مردم آن عهد و زمان کمتر متعرض زبان  
 می شدند بلکه عبرت و مردانگی با آنها احاره میداد که بعارت اموال زبان  
 دست برسد و متعرض ناموس آنها بشوند اگر تمدن این است که از اعمال  
 و کردار حسگ آوران اروپا برور و ظهور نموده است میرد این تمدن  
 حاصل اینکه روحیات و معنویات در اثر بشریات و تبلیغات فلاسفه ماتریالیست  
 اوصاع و احوال روحی غالب مردم اروپا را تعمیر داده و عواطف انسانی را دچار  
 فتور و نقصان نموده و بدون شك در نتیجه عهلت از معنویات و الهیات این  
 شقاوتها و بیرحمیها برور و ظهور کرده و میکند

عصا يك حيوان وحشی درنده يك نفر تا ده نفر را پاره می‌کند و  
این بشر متمدن در مدت کمی هزارها افراد بشر را به آتش عصب می‌سوزاند  
سایر این باید ادعان و اعتراف کنیم که روحیات و عواطف نواح با  
ایمان و عقاید پسندیده در شرق نمرات پیش از عرب و ملت‌های اروپا است  
در قسمت‌های بعدی موحیات و علل استیلا و تجاوز عرب را بر شرق و  
کشورهای اسلامی نامدارك تاریخی و دلایل منطقی شرح خواهم داد

## فصل بیست و نهم

سرچشمه عداوت و بعصاء عرب نسبت بشرق و ملت‌های اسلامی

اگر بخواهیم بعمق موحیات و علل بعصاء و عداوت بین ملت‌های شرق و عرب آگاه شویم و حملات مدهمی و سیاسی مردم اروپا را بر کشورهای اسلامی در نظر بگیریم باید صحیحات تاریخ گذشته را ورق بریم تا دانسته شود این بفاق و اختلاف از کی شروع شده و از کجا سرچشمه گرفته که گاهی با تعصبات مدهمی و رمایی توأم با سیاست استعماری ملت‌های حاورمیانه و ملت باستانی ایران مورد تهاجم و تطاول دولت‌های عربی واقع گردیده‌اند

ریشه اصلی و اساس این بعصاء را نباید در صدر اسلام و سال پانزدهم هجری در نظر گرفت که در زمان خلافت عمر بن خطاب لشکریان اسلام بیت المقدس و بیت اللحم را ویران کردند و تربت مسیح در تصرف مسلمانان در آمد بت اللحم و تربت مسیح مانند کعبه و مکه مسلمانان زیارتگاه ملت بصاری است که در مدین سال هر ازها روز مسیحی بر زیارت تربت مسیح مسیح می‌رفتند و می‌روید از این واقعه روحانیون و ملت‌های اروپا چشم‌پاک و کیسه نور گردیده در صدد انتقام و چاره‌جویی بودند و سالها در این آرزو بسر می‌بردند که تربت مسیح را از تصرف مسلمانان بیرون آورند تا آن انتظار و آرزو با سعاده برگزینی بر حور دید و آن فتح اندلس بود که

لشکریان اسلام سرداری موسی بن نصر فاتح او-ریقا و سرکردگی  
 طارق بن زیاد وارد اروپا گردیده و قسمتی از حاکم اروپا را تصرف کردند  
 رفتار و اخلاق فرماندهان لشکر اسلام با مردم تقسیمی بود که در هر  
 نقطه‌ای وارد می‌شدند بدون مقاومت بیش می‌رفتند زیرا از خود و ستم  
 عمال محلی خود سبحت در آزار و ناراضی بودند از طرفی سایر دستور  
 شارع اسلام هر نقطه‌ای که در تصرف مسلمانان قرار میگرفت مأمورین  
 و سران لشکر موظف بودند در ترفیه حال مردم و عمران بلاد کوشش  
 نمایند چنانکه اندلس در اثر حدیث حکومت‌های اسلامی مهد تمدن  
 عرب و کانون علم و فرهنگ اروپا گردید در اندلس مردم  
 اسپانیا مقاومتی در برابر لشکریان اسلام نکردند زیرا طارق بن زیاد  
 با ۱۲ هزار سپاهی ایضا را گرفت و در بیک پادشاه اسپانیایی جنگی کرد  
 ولی رود شکست خورد اندلس مدت هفتصد سال در تصرف پادشاهان  
 اسلامی قرار داشت در این مدت چه سازه‌های عظیم و کاخ‌های مجلل در  
 آنجا ساخته شد در شهرهای قرطبه، طلیطله، اشسلیبه آثار تمدن اسلامی  
 درخشیدن گرفت در کتابخانه قرطبه چهار صد هزار جلد کتابهای علمی از  
 هیئت هندسه، طب و فلسفه و کشاورزی و غیره قرار داشت چنانکه در  
 قسمتهای پیش‌نگارش یافت ژربرت پاپ فرانسوی که سلوستر روم معروف  
 گردید از شاگردان مدرسه اندلس بود که اول زبان عربی را فرا گرفت و  
 بعد وارد مباحث و تدریس علوم عالییه گردید و با آن معلومات چون  
 سکشور خود فرانسه وارد شد بدرجه پساپی رسید، مردم اروپا با این  
 کانون تمدن و فرهنگ چه کردند در این اوراق شرح خواهم داد  
 واقعه سوم که آتش عصب و کپه توری ملت‌های اروپا را اشعله‌ور

ساحت و قبلاً متذکر شدم قیام مردم اروپا و بهت عمومی ملت‌های مسیحی بود که با جنگ‌های صلیبی دو بیست سال طول کشید

در سال (۱) ۱۰۹۹ میلادی پاپ اورسن دوم در شهر کلرمون فرانسه مجلسی از شوالیه‌ها و متحرّمس تشکیل داده بود و در آن مطالب مذهبی سخن میگفت در این هنگام عده‌ای از رواد تربت حضرت مسیح که از اورشلیم برگشته بودند با حالت رقت‌نازی از تعدی و ستم مسلمانان مرد پاپ شکایت کردند قسمی که پاپ شدت تهییج و متأثر گردید و قیام کرد، این حمله از گفتار مسیح را عنوان نمود از خود بگذرید صلیب خود برگزید و بدسال من بیایید با این گفتار و فتوای پاپ مردم اروپا که پادشاهان هم مطیع روحانیون بودند میسند سیل بطرف فلسطین و بیت المقدس براه افتادند مخصوصاً پاپ کشیش مورد احترام خود را که پطرس نام داشت و در فن تهییج و تسلیع بسیار ماهر بود و مردم بسیاری از امت مسیح بحود پطرس عمیده و ایمان داشتند تا حائیکه موی دم قاطر او را برای شفا و برکت میکندند و میسردند او را با طرای فرستاد و حکم جهاد پاپ را در سایر شهرهای اروپا منتشر ساخت همه صلیبها را بر گرفتند و راه افتادند و هر کس را اعم از زن یا مرد و کودک بیگناه مسلمانان در راه میدیدند میکشند جنگها و حویریرینها بین دولت مسیحی و مسلمان سالها دوام داشت عاقبت فتح و علیه نصیب لشکریان اسلام گردید و سلطان صلاح الدین ایوبی آنان را شکست داد و هزارها در این جنگ از دو طرف کشته شدند از این شکست فاحش بعض و عداوت ملت‌های

---

۱- نقل از کتاب تاریخ البرماله مورخ فرانسوی ترجمه عبدالعسین هژبر

عرب بمراتب افزایش یافت و پیوسته مسطر فرصت مناسب بودند، تا زمان  
استیلا و حملات وحشیانه سپاه مغول که بیرحمانه کشورهای اسلامی  
و ایران حمله کردند

در سال (۱) ۱۲۴۵ میلادی ۶۴۳ هجری باپ ایوسان چهارم دوهیت  
مدهی مرکب از چند هزار روحانی و کشیش مدهی بر باست (یوهاس) کشیش  
ایتالیایی برای تحریک مغولها بردگیونگ جان پسر اکتای قاآن جان مغول  
نواده چنگیز فرستاد پس از حدودی بمغولستان رسیده و در قولتای (مجلس  
اسحاب) کیونگ جان رسیده شرکت کردند بوسایل و سرنگهائی خود را  
بجان مغول بردیک کردند و توجه جان را جلب نمودند کیونگ جان مغولها را  
بجنگ و حمله بر مسلمانان آماده و مستعد ساختند

در سال ۱۲۴۷ دو سال بعد از اعزام هیئت مدهی لوی بهم پادشاه  
فرانسه معروف بمقدس که در سواحل بحر روم با مسلمانان در جنگ بود  
بیرحیال افساد که مغولها را بجنگ مسامین برانگیزد سمرائی باهدایای  
گرانها بدربار مسکو قاآن پادشاه مغول فرستاد و با طرح دوستی پادشاه  
مغول او را تحریک بجنگ و حمله بکشورهای اسلامی نمود در این  
تحریک بود که هلاکوجان با لشکران خود بحوار مغول حمله بعراق  
و شهر بغداد نمود و حلیه ای که خود را رئیس و پیسواى اسلام میدادست  
بدست اشکریان مغول کشته شد و در این واقعه هشتصد هزار مسلمانان  
را از دم تیغ گذرانیده بحاک و خون کشیدند، و خلافت اسلامی را از  
منان برداشتند بعضی از مسلمانان ساده و عاقل از رموز سیاست شیطانی

## ۱ P Invosane

۱- نقل از کتاب روابط ایران و اروپا نگارش آقای فلسفی اسناد

دانشگاه طهران در صفحه ۲

بیخبر بودند که دست دشمنان اسلام در کار است از این کشتار راضی و  
خوشحال شدند چنانکه گفتیم از رسانیهها از هر موقع مناسب حد اکثر  
استفاده را نموده هر وقت در صدد انتقام بودند

با گذشت زمان نوبت پادشاه سلجوقی کشور گیر اسلام سلطان محمد  
فایح رسید که پای تحت کشور روم شهر بیراس را تصرف نمود ، در مطالب  
تاریخی و وقوع حوادث قصد و نظر برئوس مطالب و حوادث است که بطور  
اقتصاد مورد استدلال قرار گیرد و حقایق روشن گردد بطور تاریخ نویسی  
دارم

## فصل سی ام

### تجدید امپراطوری اسلام و وحشت مردم اروپا

در قسمت قبلی موحیات بعضا و اتفاق بین مردم دونلوك شرق و عرب را تا درجه‌ای شرح دادیم که عاقبت منجر شکست اروپائیان در جنگهای صلیبی گردید این لطافه برگزیده روحی و حادثه عمده‌گیر هجرت فراموش نشده بود و وحشت استقام شکست خوردگان صلیبی مانند آتش زیر خاکستر پنهان بود تا سال ۱۲۵۳ میلادی که سلطان محمد فاتح امپراطور اسلام در سایه تهور و شجاعت بی نظیر خود شهر را اس (قسط طیبه) پایتخت روم شرقی را گرفت و موحیان دامنه‌داری باطل گردید و قسمت مهمی از قارات آسیا، افریقا و اروپا تصرف نمود در آسیا، قفقاز، عراق، شام،



سلطان محمد فاتح قسطنطنیه  
 ولسطین، حصار، بحدرا گرفت در قاره  
 افریقا، مصر، سودان، لیبی، الجزائر، مراکش و حرا بر شرقی هند شرابه را تحت  
 تصرف در آورد در قاره اروپا شبه جزیره اوکراین، کشور رومانی،  
 مجارستان قسمتی از لهستان، کشور اتریش، یوگوسلاوی، آلمانی،  
 یونان را گرفت در هر سه قاره لشکریان اسوه و منظم متمرکز ساخت

نقشه جهانگیری پادشاه فاتح لره بر ابدام پادشاهان و ملت‌های اروپا  
انداحت و متوجه شدند که خطر بزرگتر از شکست جنگ‌های صلیبی حیات  
اجتماعی و استقلال کشوری آنان را تهدید میکند لذا در صدد چاره‌جویی  
برآمدند چیریکه اساس مسرت و حوش‌حالی آنها گردید و اقبال آنها  
رو آورد این بود که پادشاهان عثمانی بحیال دست‌اندازی بایران افتادند  
که این کشور را از پای در آورند و ورق شیعه را از میان بردارند و را  
پادشاهان عثمانی خود را حلیفه و فرمانروای کل ممالک اسلامی دانسته  
و شیعیان را که بسست بحلای سه گانه اهانت میکردند کافر میدانستند ، در  
زمان پادشاهی سلطان سلیم پادشاه مقتدر عثمانی فرمان قتل شیعیان اباطولی  
داده شد و گروه بسیاری را کشتند سلطان سلیم با ۳۰۰ هزار نفر سپاهی  
بحیال تسخیر و تصرف کشور ایران امپادشاه اسمعیل صفوی که در آن اوقات  
و در سال ۹۰۷ هجری الو بدیک آق قویلو را شکست داده بود در شهر  
تبریز پادشاهی نشست در سایه مراد و مریدی و ترویج مذهب تشیع  
دارای قدرت گردید بدفع دشمنان کوشید و کشور ایران را بصورت  
آبرومندی اداره کرد اطلاع یافت که سلطان سلیم با سپاه اسوه بی‌عزم  
تسخیر ایران حرکت کرده در حال‌دران با عده کم خود را شجاعانه باردوی  
عثمانی زد ولی اسوه سپاه عثمانی که دارای توپ و ادوات جنگی بودند  
و سران‌از قرلباش با شمشیر جنگ میکردند این پادشاه بامی شکست  
خورد ، لیکن در تسکیل و قدرت و استقلال کشور خدمات گرانسپائی  
انجام داد

حاصل اینکه بفاق بین سنی و شیعه با جنگ‌های متوالی دو کشور  
مسلمان نتیجه این شد که دولت عثمانی لشکریان ساحلوی اروپا و

سایر نقاط را بایران سوق داد و حویریهای متوالی بین مسلمانان بسود  
کامل مردم اروپا و کشورهای عربی تمام شد و آن دولتها از خطر حمله  
و امتیالی دولت عثمانی آسوده خاطر گردیدند ادوارد براون مشرق  
انگلیسی میگوید اگر دولت ایران بودتر کجا ما را محو و نابود میکردند  
در اسحا ناند گفت مردم اروپا چه حوں حوں شناسی و بلافی کردند  
حسگهای بین دولت ایران و عثمانی بطریق مختلف مدتها با زمان شاه عباس  
کشیده شد چون بسوت تمام داری شاهنشاه بر رگ ایران شاه عباس  
اول رسید

## فصل سی و یکم

### پادشاهی شاه عباس کبیر شاهمشاه ایران

در زمان پادشاهی ابن شاهمشاه بر رگت سیاستمداران عرب آش  
کیه وفاق را بین دو کشور ایران و عثمانی شدت بیشتری دامن زدند  
حما که در قسمت‌های بیس شمه‌ای از جنگ‌های ویمابین دو دولت اسلامی  
رامد کر شدم که دولت عهد عثمانی ایران را چگونه مورد نظر اسمعاری  
خود قرار داد و این کشور را به برتگاه روال و انراض بر دیک کرده بود  
خدای ایران شاه اسمعیل را بحماست ملت برانگیخت در این اوقان که  
بوت شاه عباس رسید باز کشور ایران چنان مورد بهاحم سیل‌های مشکلات  
گردیده بود که روبروال میرفت و دولت قوی و بیرومند عثمانی قسمت  
مهمی را از حاک ایران در تصرف داشت خدای ایران باز یکی از حایر  
ملی را بلند کرد تا عظمت دیرینه را تجدید نماید در اینجا شمه‌ای از  
وقایع انام طهولیت او می‌ویسم که چگونه از خطر‌هایی یافت و بعداً بمقام  
شامح سلطنت ایران رسید

روز (۱) چهارشنبه ۲۷ جمادی الاول سال ۹۸۴ شاه اسمعیل دوم که  
مردی سفاک و خونخوار بود بعد از شاه طهماسب تحت شاهی تکیه‌ردار  
بدور مامداری خود در صد گشتن کسان و شاهزاده‌گان صغوی بر آمدور

---

۱- نقل از تاریخ استاد دانشگاه بصراله فلسفی شرح حال شاه عباس

يك روز شش بهر را از شاهزادگان در قزوین کشت در آن اوقات محمد میر را  
 برادر برگزیده او در شیراز حکومت داشت شاه عباس در سن کودکی  
 تحت سرپرستی مرشدقلیخان استاجلو و سر میرد - شاه اسماعیل ولی سلطان  
 در القدر را مأمور کرد که بشیراز برود و محمد میر را پدر شاه عباس را از  
 میان بردارد - حسن میر را پسر برگزیده محمد میر را و برادر شاه عباس  
 که در قزوین بود فرمان داد او را کشتند و در صدد کشتن عباس میر را افتاد  
 روز اول ماه رمضان همان سال علیقلیخان شاملو را که از سران طایفه  
 برگزیده شاملو بود با دادن لقب امیرالامرائی حراسان مأموریت دادهرات  
 برود و عباس میر را را که کودک بیگانه‌ای بود بکشد مرشدقلیخان استاجلو  
 که حکومت با حرر و قنایان را داشت که قسمتی از حاکم حراسان است  
 در خدمت عباس میر را و طرف دار او بود علیقلیخان روز ۲۷ رمضان وارد  
 هرات گردید و خواست شاهزاده را بکشد مادرش که دایه عباس میر را بود  
 التماس کرد و گفت حالا که از خویش نمیگذری بگذار این دوسه روز ماه  
 رمضان بگذرد گناه بر رگی است کودک بیگانه‌ای را در ایام عبادت بخون  
 بکشی علیقلیخان خواهش مادر را پذیرفت و سه روز مهلت داد شمی که  
 صبح آن ناید عباس میر را را بکشد سواری از قزوین بهرات رسید و حیر  
 مرگ شاه اسماعیل را رسانید علیقلیخان خیلی خوشحال شد و خود را لله  
 عباس میر را و خدمتگذار او معرفی کرد با این پیش آمد معجزه آسا این  
 دحیره ملی از خطر بحال یافت اکنون شرح بیشتری از آشمنگی اوضاع  
 کشور در زمان سلطنت شاه اسماعیل و خویریه‌های او میپردازم

خویریه‌های وحشی و رفتار خویریه‌ها را به شاه اسماعیل دوم سران  
 قوم را سحت بیمناک و ناراضی ساخته بود عزل و نصب‌های بهایق امیر شاه

بین طوایف و رلش و نکلو اریکطری و طوایف شاملو و استاحلو از طرف  
 دیگر ایجاد کییه و حصومت کرده بود که حداً در صد شکست و حراسی  
 یکدیگر بودند و سران تر که مان بیر طرف دار قرلشها گردیدند چو در حه  
 ظلم و حو و حواری شاه همه را تر سناک و وحشت رده ساحت حملگی افاق  
 نموده بوسیله که میر کان حرم او را مسموم کردند و حو در ای تعیین شاه و  
 حاشس او مشورت نشستند بعضی طرفدار کودک شاه اسمعیل نام  
 شجاع الدین محمد گردیده و جمعی طرفدار محمد میر را شدند محمد میر را  
 خون از چشم علیل بود محالعیبی داشت لیکن نتیجه شوری این شد که  
 مأموری بهارس برود و حیر قتل شاه اسمعیل را محمد میر را برساند اتفاقاً  
 قبل از اینکه در القدر ماموریت خود را انجام بدهد این خبر منتشر شد  
 و محمد میر را سلطت خود را اعلام نمود و بطرف قر وین حرکت کرد چون کور  
 و بسیار بی حال بود حیر النساء همسر او خود را وارد اوصاع سیاسی کرد و  
 با خشونت تمام با مردم رفتار می نمود حمزه میر را که در آن وقت پادشاه  
 سال داشت بولیعهدی انتخاب کرد و در صد بر آمد عباس میر را را از هرات  
 بهرین بیاورد که مناد اسراں شاعلو و استاحلو او را بقیام بر صد حمزه  
 میر را وارد آمد فرستاده مخصوصی عازم هرات کرد علیقلی جان و مرشد  
 قلبجان مخالفت کردند حیر النساء با فشاری کرد از طرفی خشونت و  
 سختگیری بهائی که حیر النساء در باره سران طوایف نکار میر دو محمد شاه  
 هم در بیحالی افراط کرده بود سال اول سلطت خود را باره پایان رسانیده  
 بود که سران قوم بر صد ملکه اتحاد کردند و سلطان محمد جدا بنده  
 عرصه داشتند که از در حالت حیر النساء بیگم حلو کند شاه درویش سناک  
 بی که ایت نتوانست از عهده همسرش بر آید لذا در تاریخ اول حمادی الثانی